

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دوکتور ع. شیرزاد

۱۶ جون ۲۰۱۲

## آیا بحرانی در راه است؟

در عصر حاضر که عصر جهانی سازی قلمداد می شود و نه عصر جهانی شدن – جهان به دهکده کوچکی مبدل شده و اقتصاد سراسر جهان بیش از پیش به هم گره خورده است. گاهی چنان می نماید که گویا در جهان فعلی و در شرایط نورمال آرامش و رشد طبیعی اقتصاد، زندگی رنگین همان است که ناحیان به اصطلاح نجات بشریت از ورطه نابودی موعظه می کنند. ولی واقعیت نه همان است که می گویند ولی همان است که می کنند. در کره زمین با جمعیت هفت میلیارد نفری، عدالت اقتصادی آنست که ده درصد نفوس جهان نود درصد ثروت را در دست دارند و نود درصد نفوس با ده درصد اقتصادی می سوزند و می سازند. گاهی هم در اکثر نقاط جهان چنان حالتی پیش می آید که با ضعف مدیریتی و یا هم اختلاسهای کلان - دایره زندگی شرافتمند توسط یک مشت بیروکرات و شیاد حکومت کننده بر توده های حکومت شونده تحمیل می شود. گرچه بحران اقتصادی در جوامع کاپیتالیستی پدیده تازه ای نیست، اما در این راستا این مالکین سرمایه و دول کاپیتالیستی هستند که انواع پیراهنها را خود می برند و می دوزند و می پوشانند و مسیرهای قطب نماها را تعیین می کنند. اروپا و کشورهای قاره اروپا نیز از این قاعده مستثنی نیستند. یکی از این ادارات بیروکراتیکی که طول و عرض زندگی را در قاره اروپا خط کشی می کند، همانا اداره بروکسل است که در چند ماه اخیر تلاش دارد تا جامعه از هم دریده یونان را وصله کند تا باشد با تمرین از این وصله به کمک جنوب اروپا بشتابد.

در چندماه اخیر بعد از رفت و آمدهای زیادی در جلسه های رسمی و غیررسمی ۲۷ کشور اروپائی، کمتر نتیجه محسوسی از آن به بار نشسته است. بعضاً نتیجه این جلسه های شش یا ده ساعته بدون کدام نتیجه مشخصی پایان یافته و راه حل مشکلات اقتصادی اتحادیه اروپا به جلسه بعدی موکول شده است. یکی از این جلسه ها هم جلسه اخیر دولت مدران ۲۷ کشور اروپائی بود که در بروکسل دایر شد. در این جلسه رهبر سوسیالیست تازه انتخاب شده فرانسه فرانسوا اولاند - خلاف اسلافش از پاریس به بروکسل با ترین (قطار) سریع السیر آمد و با موترش دوباره به پاریس برگشت، در حالی که اسلافش این فاصله ۳۰۰ کیلومتری را با طیاره (هواپیما) مخصوص دولتی (سالون) سفر می

کرد. این تنها سنت شکنی اولاند نبود که برای اولین بار در این جلسه شرکت میکرد - وی خلاف گذشته، رئیس دولت المان انگلا مرکل را همراهی نمی کرد بلکه با دوستان جدیدش صدراعظم هسپانیه ماریان رایوو و رئیس دولت موقت ایتالیا ماریو مونتی که با هم نظرات مشترک زیادی دارند بیشتر هم صحبت بود. دیگر بر کسی پوشیده نیست که وحدت نظر انگلازی (انگلا مرکل + سارکوزی) از هم پاشید و اتحاد نظر انگلاند (انگلا مرکل + فرانسوا اولاند) به قوام نه نشست.

سوآلی پیش می آید که چرا ؟ انگلا مرکل با اقتصاد قوی المان که هنوز هم از پیشتازان کلوب سرمایه داری است ترازو به زمین می کوبد و برای اقتصاد گویا صرفه جویانه اش نزدیکترین متحدش یعنی فرانسه را از دست می دهد. حالا دیگر چنان به نظر می رسد که باید بقیه راه سیاست پائین آوردن هزینه ها (ریاضت اقتصادی) را به تنهایی بپیماید. کشورهای جنوب اروپا با اقتصاد ضعیف و لرزششان - اصلاً علاقه ای برای شنیدن کلمات چون - محکم بستن کمر بند اقتصادی- را دیگر ندارند ولی کلمات گوش نواز رشد اقتصادی را از دهن اولاند سوسیالیست بسیار به راحتی پذیرا هستند. چنانچه حضرت بیدل گوید:

### حرف نا منظور دل یک نکته هم بیش است و بس      معنی دلخواه اگر صد نکته باشد هم کم است

اما روی همرفته برلین و پاریس بر سر هیچ یکی از نقاط پروگرام به توافقی دست نیافتند. با آنکه هدف هر دو سیاستمدار تفکیک قروض کشورهای اتحادیه اروپا و برداشتن وزنه آن را همه کشورهای اتحادیه اروپا همه باهم و با بهره پائین بانکی به نفع کشورهای ضعیف بود، ولی دیدگاه متفاوت دو طرف در مورد نجات کشورهای مقروض اروپائی که از رشد ضعیف و بعضاً حتی رشد منفی رنج می برند راه به جایی نبرد. آقای فرانسوا اولاند "سوسیالیست" با ارائه نظر اوراق بهادار اروپائی (Euro Bond) همراه با رشدش نتوانست توجه خانم انگلا مرکل "کاپیتالیست" را که می گوید هیچ کشوری از قروض کشوردیگری جوابگو نیست جلب کند و دل بریاید، اما به عکس اولاند توجه تمام رسانه های اصلی را به خود جلب کرد. یونانیها که تمام جلسه روی آنها می چرخید، هرگز اظهار خوشی شان را از تجرید خانم مرکل پنهان نکردند. چنانچه روزنامه To Vima (TheTribune) یونان نوشت،

"المان و فرانسه دیگر آن دوقلوهای نیستند که سیاستهای ریاضت اقتصادی (پائین آوردن هزینه های اجتماعی) شان را بر بقیه اروپا تحمیل کنند".

گرچه رهبران سیاسی اروپا در مورد مسأله یونان کاملاً به توافق رسیدند که "یونان باید در ساحه یورو زون باقی بماند"، اما زمزمه هایی هم از بروکسل پخش شد که به تمام اعضای ساحه یورو گوشزد شده است که



هریک به طور جداگانه پلانی را بسازند که اگر یونان از صف شان خارج شود چه کاری باید صورت گیرد، چون در بدترین حالت شوک و اختلال سختی را بار خواهد آورد. این مطلب را کمیسار تجاری اتحادیه اروپا کارل دگوخت Karel de Gucht هم تأیید کرد. از این هم مهمتر این است که برای بدترین سناریوی خروج یونان از اتحادیه

اروپا، شرکت انگلیسی که نشر بانک نوت ها را پیش می برد کاملاً آماده نشر "درهم" واحد پولی یونان است و گفته می شود که لوگوها و واترمارک پول جدید هم آماده شده است.

گرچه در ظاهر چنان می نماید که خروج یونان از ساحه یورو حتمی به نظر می رسد ولی رهبران اتحادیه اروپا ظاهراً تلاش دارند که در پس خنده های تلخ شان از معجزه نجات صحبت کنند. رهبران سیاسی اتحادیه اروپا همواره تأکید دارند که خروج یونان تمام جهان و خصوصاً اروپا را در بحران عمیقی فرو خواهد برد. ولی همه دیدگاهها چنین تعبیری از سقوط یونان ندارند، چنانچه توماس اوتلی (Thomas Oatley) اقتصاد دان امریکائی از دانشگاه کالیفرنیا شمالی در مجله Foreign Policy نوشت که "یونان کشور بزرگی مثل امریکا نیست که با خروجش از ساحه یورو بحران عمیق جهانی به بار آید، خروجش کاملاً عادی خواهد بود". رئیس بانک مرکزی جمهوری ایرلند نظر دارد که خروج یونان از منطقه یورو ضرر به بار می آورد اما برای واحد پولی یورو مرگبار نخواهد بود. کمیسار اقتصادی و پولی اتحادیه اروپا اولی رن براین عقیده است که "اتحادیه اروپا در حال حاضر نسبت به دو سال پیش برای خروج یونان آمادگی بیشتری دارد".

اما روی هم رفته هیاهو و تعبیرها چنان است که اگر یونان از ساحه یورو خارج شود - درست همان بند ریگی را می ماند که کشورهای جنوب اروپا را با خود ته خواهد کشید و آستن فرزند ناخلف بحران عمیق را به زایمان خواهد نشست.

کنون چنان می نماید که موفقیت ۴۰ درصدی حزب سوسیالیست و متحدان فرانسوا اولاند از دوراول انتخابات پارلمانی فرانسه در هفته گذشته (یکشنبه دهم جون ۲۰۱۲) راه تطبیق پلانهای آقای اولاند را هموار می کند. همچنان جبهه چپ (متشکل از کمونیست ها و عده ای از جادشدگان حزب سوسیالیست) با رای ۶.۸ درصدی شان از دوراول انتخابات می تواند کمر آقای اولاند را در برآورده شدن اهداف بلندش محکمتر ببندد. اگر دوردوم انتخابات پارلمانی فرانسه که در این هفته (یکشنبه هفدهم جون ۲۰۱۲) برگزار می شود و نتایج آن هم به همان تناسب از آب بدرآید، دیگر عزم سوسیالیستهای فرانسه و متحدان شان که بعد از هفده سال سکان قدرت را به دست گرفته اند - برای نوشتن نسخه نجات اروپا جزمتر می شود.

اما در این هفته تمام توجه ها تنها و تنها معطوف به پاریس نخواهد بود، بلکه اقتصاد بحران خورده کشورهای سراسر جهان و خصوصاً کشورهای اروپائی با دقت تمام متوجه آن خواهد بود (یکشنبه هفدهم جون ۲۰۱۲ انتخابات پارلمانی در یونان). کنون که تمام نفسها در سینه ها گیر کرده و در انتظار آنست که آیا دستهای گویا نجات بخش اقتصاد قرضه اروپا بر دستان "معجزه گر" رای دهندگان یونانی چقدر اثر داشته است.

اگر در این انتخابات احزابی که مخالف بسته های نجات مالی یا قرضه اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول هستند به قدرت برسند، مشکل یونان پیچیده تر خواهد شد، چون یونانیها باید با این دو نهاد دوباره درباره شرایط جدیدی برای دریافت کمکهای مالی جدید و قروض قبلی شان مذاکره کنند. این هم یک واقعیتی است که یونانیها پیش از درآمدشان خرج می کرده اند- به طور مثال در ۱۰ سال گذشته دستمزد کارمندان ۵۰ درصد افزایش داشته و هزینه ها دوبرابر شده است، حالانکه این رقم در سایر کشورهای اروپائی به طور متوسط ۲۴ درصد بوده است.

خوف در کجاست و نگرانی کشورهای اروپائی از چیست ؟

خوف از آنست که اگر یونان پرداخت قرضه هایش را متوقف کند و پول طلب گارانش را پس ندهد، این مسأله ضربه مرگباریست بر اعتبار سیستم بانکی اروپا، چون مؤسسات مالی یونان با سایر شرکای اروپائی شان در ارتباط تنگاتنگ هستند، و از آن مهمتر ترس سرمایه گذاران نسبت به تکرار این حادثه در کشورهای دیگر اروپائی بیشتر

می شود و سرمایه‌گذاران دیگر تمایلی به خرید اوراق بهادار (اوراق قرضه) کشورهای ضعیف و بحران زده نخواهند داشت، اینجاست که سرخ در کلافه گم می شود. به طور مثال سه قلم قرضه یونان چنین است - از بانک‌های فرانسه بیش از ۴۱ میلیارد یورو، از بانک‌های آلمان حدود ۱۳ میلیارد یورو و از بانک‌های امریکا بیش از ۶ میلیارد یورو مقروض اند که با مشکلات پرداخت و یا هم عدم پرداخت آن، این بانکها بخشی از منابع مالی خود را از دست می دهند.

سران اروپایی برملت یونان همواره تأکید دارند که گویا خروج از ساحه یورو به معنی خروج از اتحادیه اروپا تلقی خواهدشد، و این درحقیقت همان مترسکی است مانند شمشیر داموکلس بر بالای سر رأی دهندگان یونانی در این هفته. می خواهند که به شکل غیر مستقیم بر رأی دهندگان یونانی تأثیر بگذارند که اگر یونان از اتحادیه اروپا خارج شود، تمام مزایای اقتصادی و پشتوانه سیاسی شان را از دست خواهند داد. اما این یونانیها خواهند بود که به همه حدس و گمانها نقطه پایان خواهند گذاشت و تصمیم خواهند گرفت که چه راهی را می خواهند در پیش گیرند. یکشنبه شب در دو انتخابات کاملاً از هم جدا، یکی تأثیرگذار و دیگری سرنوشت ساز است که نفسهای گیرکرده در سینه را چگونه رها سازد.

تشکر از توجه تان

پذیرای انتقادات و نظرات شما عزیزان در این آدرس : sherzadabd@hotmail.com

<http://www.tovima.gr>

<http://www.scribd.com>

<http://www.jaime.cz>

<http://blog.occupiedlondon.org>

<http://www.bbc.co.uk>

[http://www.imf.org/external/np/exr/countryfacts/grc/InterviewPoul\\_thomsen.pdf](http://www.imf.org/external/np/exr/countryfacts/grc/InterviewPoul_thomsen.pdf)